



## افراط گرایی منفعت طلبی و بی اعتمادی اجتماعی

می‌شود. از دیگر خصوصیات این افراد این است که از لحاظ ذهنی و عملی به جمع اعتقادی ندارند و همواره افکار آنها تعیین کننده اهداف آنها است. این افراد برای پیشروی در اهداف خود همیشه به دنبال دستاویزهایی مادی هستند که به آنها وصل شوند و از آنها به عنوان یک طباب برای پیشروی در موضوعات خود استفاده کنند اغلب ذهنیت و افکار این افراد افراط گرا را در مراجع وابسته به آنها شاهد هستیم که از هر موقعیتی برای قالب کردن اهداف و نقشه‌های خود در جامعه دریغ نمی‌کنند. اما زمانی که با کارشناسی به رفتار و اعمالی که افراطیون انجام می‌دهند می‌نگرد

موجه این موضوع می‌شود که آنها این رفتار و اخلاقی را که اکنون همراه خود دارند را یک شبه به دست نیاورده‌اند بلکه این موضوع ریشه در مدل زندگی و طرز تربیتی آنها دارد. افرادی که لقب افراطی به آنها داده می‌شود طی پروسه‌ای کوتاه به این لقب نرسیده‌اند بلکه این موضوع در سالیان دراز در نطفه آنها نقش بسته است. این گونه افراد اغلب در کودکی و نوجوانی مورد بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی‌های

زیادی قرار گرفته و اغلب نظر و رای آنها مورد احترام و تأیید نبوده. همین موضوع برای آنها بدل به غنّه و عقده شده که با اعمال افراطی درصدد جبران آن برآمده‌اند.

اما باید این حقیقت را پذیرفت که رفتارهای اجتماعی

هستند که مدت‌های زیاد در فروشگاه‌ها و کیوسک‌های روزنامه‌فروشی باقی می‌مانند خریداری ندارند. هر جامعه‌ای یک پارامترها و مصادیقی را در نظر می‌گیرد که عموم مردم به آن پایبند هستند این موضوع مانند قانون اساسی هر کشوری است که همه یا افراد جامعه به آن الزام دارند. یک جامعه معقول همواره از یک سری مسائلی که برای آن تبیین شده است، پیروی می‌کند برای مثال ما هر ۴ سال یک بار انتخابات داریم و با رأی مشخص می‌کنیم که چه کسی به چه جایگاهی برسد یا نرسد به این منظور که مردم برای موضوعاتی که پیرامون خود هست تصمیم‌گیری کنند. اما در جامعه ما یک سری افراد هستند که به هیچ اصولی پایبند نیستند و احترامی برای نظر دیگران قایل نیستند ما در این زمان هم آنها را در پیرامون خود مشاهده می‌کنیم بسیاری از موضوعات در شهر ما توسط مردم انتخاب و تعیین شده است اما این افراد نمی‌پذیرند و نمی‌خواهند بپذیرند زیرا با عقاید آنها همخوانی ندارد و منافع آنها را به خطر می‌اندازد و با میل آنها نیست با فشاری قصد دارند که به طرز موضوعات خود را در قالب حرف و سخنان مردم غالب کنند گویی رفتار می‌کنند که این سخنان متعلق به آنها نیست بلکه به نوعی رفتار می‌کنند که این حرف و نظرات آنها متعلق به مردم است و آنها به جای مردم صحبت می‌کنند این مصادیق را کاملاً ما در جامعه کنونی که در آن حضور داریم می‌بینیم و حس می‌کنیم. این که مردم فردی را انتخاب کرده‌اند کاملاً واضح و مشخص است که به آن اعتماد کافی را دارند پس می‌توان این نتیجه را گرفت که زمانی مردم شخصی را در پستی انتخاب می‌کنند به این معنی است که با تمام تصمیمات آن فرد موافق و هم‌نظر هستند اما چرا یک سری این وسط با تندروی و رفتارهای افراطی نقش بر سرگونی اهداف شخص مورد نظر مردم دارند اینها تماماً مثال‌های زنده افراط‌گری در یک جامعه هستند

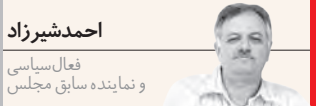
مردم در رفتارهایشان بازگوکننده تمام مرزهای افراطی‌گری و اعتدال یک جامعه هستند و این را می‌توان از انتخاب‌های آنها متوجه شد. از طرز رفتار آنها در جامعه در تعاملاتی که صورت می‌دهند، در مشارکت‌هایی که انجام می‌دهند، در مطالباتی که طلب می‌کنند در برخورد با موضوعاتی که در جامعه می‌بینند به این معنی است که مردم تمام مرزهای اجتماعی یک جامعه را تعیین می‌کنند و آن را مشخص می‌کنند. مردم در رفتارهای اجتماعی جمعی پاسخ خود را به همه موضوعات شهری و کشوری می‌دهند اما تفرقه زمانی صورت می‌گیرد که وقتی مردم به این روشنی پیام خود را به جامعه منتقل می‌کنند چرا بعضی هنوز در خواب و توهمات دیگر سیر می‌کنند. زمانی که مردم این مرزبندی‌ها را مشخص کرده‌اند چرا حمایت از آنها صورت نمی‌گیرد. ما در دهه چهارم انقلاب هستیم و همه این تصور را دارند که به مرحله خود کفایی و بلوغ سیاسی و اجتماعی رسیده باشیم و مشکلاتمان کمتر و افراط و تندروی رو به کاهش باشد. اما متأسفانه در این زمان به عکس حرکت کرده‌ایم و عقبگرد داشته‌ایم. زمانی به مرزبندی مناسبی در تعاملاتمان خواهیم رسید که احزاب مستقل و قدرتمندی را دارا باشیم. فعالیت‌های مدنی در کشورمان به خوبی انجام پذیرد، کسی از جناح یا دسته‌ای ترس نداشته باشد مردم از افراد مختلف در هراس نباشند و احساس عدم امنیت نداشته باشند. منشأ تمام خون‌ریزی‌هایی که در کشورهای اطراف می‌بینیم فقط و فقط نتیجه افراط و تفریط است. بوجهایی که برای نظارت در بخش‌های مختلف اختصاص پیدا می‌کند باید نزد مردم قرار گیرد تا آنها تمام مرزبندی‌های موجود در اجتماع خود را صورت دهند. طرح تفکیک جنسیتی خود یک نوع افراط و رفتار کاملاً افراطی محسوب می‌شود. این که در جامعه ما به زنان فرصت‌های زیادی داده نشود هم یک نوع افراط است. مریم میرزاخانی نماد یک زن ایرانی است که بدون تفریط و افراط به بار آمده است و به موفقیت‌های ارزنده‌ای هم رسیده است این به معنای این موضوع است که بدون افراط شرایط رشد برای تمام آدم‌های یک جامعه وجود ندارد.

مهم‌ترین تأثیر موضوع افراط‌گرایی این است که مردم خود را عضو از جامعه ندانند و خود را یک شخص خشی و بی‌تای برای جامعه‌شان قلمداد کنند. این امر از بی‌اعتمادی محض به وجود می‌آید. زمانی که افراط یک جامعه را تحت تصرف خود قرار دهد مردمان‌شان روز به روز نسبت به موضوعات داخلی بی‌اهمیت می‌شوند و بی‌اهمیتی برتر نیز سم برای هر جامعه است. مردم زمانی که این افکار پرایشان باشد به وجود می‌آید که سهمی در جامعه ندارند، قاعده بار خواهد بود. این زمان می‌توان شاهد هر چیزی در جامعه بود در واقع در این زمان سرمایه‌های اجتماعی تلف می‌شود و از بین می‌رود و دیگر کسی به حرف دیگری نه اهمیت می‌دهد و نه برای آن ارزشی قایل است. برای مثال بهترین موضوع مسأله پارانها بود داشتند زیرا نسبت به این موضوع بی‌اعتقاد بوده‌اند. ما نزدیک به ۸۰ درصد مردم در ثبت‌نام آن مشارکت داشتند زیرا نسبت به این موضوع بی‌اعتقاد بوده‌اند. ما در همین شهر و کشور تعاملاتی را دیده‌ایم که در هیچ کجای جهان نظاره‌گر آن نبودیم اما تمام موضوعاتی که در این زمان مشاهده می‌کنیم بر اثر افراطی‌گری بعضی افراد در جامعه است که مردم را به ستوه آورده و برای مردم بی‌اهمیتی را به وجود آورده است. افراط اکنون می‌تواند بنیان ما را از بین ببرد و این بی‌اعتمادی را به حد خود برساند.

پرورش عقلانی باشد و به آنها ارزش عقل را یادآوری کند و یادآوری کند که تعقل و تدبر کنند و ببینند این مسأله چقدر با آنچه در قرآن گفته شده مطابقت دارد. باید در نظام تعلیم و تربیت توجه‌مان را به حیات عقلانی معطوف کنیم. همان طوره که این‌الله طباطبایی و علامه جعفری و شهیدمطهری در باره حیات معقول گفته‌اند. جامعه‌اگر ارزش عقل را نفهمد، جامعه مطلوبی است و اگر عقل خاموش شود، آن اتفاق می‌افتد که در جامعه که تفکر مخالف با عقل حاکم است، صورت می‌گیرد. افراطی‌گری مخالفت با عقل است.

### نگاه

### تقسیم منافع و زندگی مسالمت آمیز



احمد شیرزاد  
فعال سیاسی  
و نماینده سابق مجلس

افراط‌گرایی برمی‌گردد به این که شما با استفاده از روش‌های توأم با اعمال قسدرت نظر تان را به دیگری تحمیل کنید این مسأله ما را به عرصه افراط‌گرایی می‌کشاند. اما اگر با هر عقیده‌ای نخواهید نظر تان را به دیگران تحمیل کنید، اسمش افراط نیست. ممکن است کسی آرمان‌هایش بلند باشد یا دیدگاه ویژه‌ای داشته باشد زمانی که در صدد تحمیل بریاید، وارد افراط‌گرایی شده است. آن کسی که در موضع قدرت باشد و نخواهد با روش‌های مسالمت‌آمیز با مردم و دیگران تا کند و شروع کند به زور گفتن بخواید از طریق زور گویی و تحمیل عقیده به دیگران قدرت را نگه دارد، افراط‌گر است. همچنین فردی که بیرون قدرت است بخواید از روش‌های خشونت‌آمیز شامل گفتن و عمل خشونت‌آمیز با جامعه رفتار کند، افراط‌گر است که بدترین نوع این افراط‌گرایی ترور است. عملی که از گفتن خشن استفاده می‌کند و دیگران را طرد می‌کند و هر نوع عقیده‌ای غیر از خودش را باطل می‌داند و به دیگران حق نمی‌دهد عقیده دیگری جز عقیده او داشته باشند افراط‌گرایی است. در یک کلام، افراط‌گرایی عبارت است از روش‌های تحمیل نظر خویش به دیگران و طرد نظر دیگران با استفاده از ابزار قدرت. چه فرد در موضع قدرت چه خارج از موضع قدرت باشد.

و جدان عمومی جامعه است که افراط‌گرا بودن یا نبودن یک عمل یا عقیده را تعیین می‌کند. ما نمی‌توانیم افرادی را تعیین کنیم که بگویند کدام رفتار افراط‌گرا هست یا نیست، وجدان عمومی است که نظر می‌دهد چه کسانی افراط‌گرا و چه کسانی معتدل هستند. همواره بافت عمومی مردم، طرفدار اعتدال و مخالف تندروی‌اند. آنها آرامش را می‌خواهند تا در فضای آرام به کسب‌وکار خود بپردازند پس به

### ادامه از صفحه ۱۰

### افراطی‌گری بر فراز شاهین قضاوت

می‌شوند و هم‌زمان با دیدن افق و روشنایی خورشید هوا بی‌بیمای دشمن را می‌بینند که بر سر عزیزانشان بمب می‌اندازند. فعالیت‌های تبلیغی و هابیت با محوریت مهدرو ادم دانستن مسلمانان دیگر و ظهور گروه‌های تروریستی، تکفیری و افراطی در ممالک اسلامی اهمیت این موضوع را برای نوجوانان کشور اسلامی ایران افزایش می‌یابد. شوربختانه در کشورها اسلامی سونامی خشونت‌بار گروه‌هایی تکفیری همراه با کشتار مردم بی‌گناه به راه افتاده است. طالبان در افغانستان، جامعه اسلامی در اندونزی، المائری، جنوب تایلند و جزیره میدانات، جبهه‌های موسوم به ارتش آزاد عراق و شام، جندالله و لشکر صحابه در بلوچستان پاکستان و مرزهای شرقی ایران، افغان‌العرب مهاجران عرب افغانستان، الشباب افریقا در سومالی و سودان و کنیا، داعش در عراق و شام، القاعده در عربستان، یمن، الجزایر، لیبی، چاد و نیجریه و... مانعی جدی بر سر راه کشورهای اسلامی برای رسیدن به دموکراسی، مردم‌سالاری و ساخت دولت‌ها بر اساس قانون هستند.

در حال حاضر شاهدیم که در جهان - به ویژه کشورهای اسلامی - دامنه افراطی‌گری در امور مذهبی روز به روز بیشتر می‌شود. لذا برای ایجاد یک تحلیل درست نسبت به این جریان در ذهن دانش آموزان این توان در قالب نمایشنامه و اجرا توسط خودشان در مراسم و همایش‌ها اقدام کرد.

برای آگاهی رسانی به نوجوانان و پرورفت ذهنی و عملی از بحران گام گسیخته‌کنونی نیاز به آموزش مستمر است. درونمایه کتاب‌های درسی، جراید و رسانه ملی با ورود تمام قذ مسائل ایدئولوژیک برای چپ‌ها از جذباتی می‌افتد و باید در پردازش آنها میانه روی اجرا شود. ذهن جوان پویا و فعال است و باید اجازه انتقاد داشته باشد تا به بن‌بست نرسد. معلمان گرامی در عمل باید این اجازه را به دانش آموزان بدهند که آنها را مورد نقد قرار دهند. آموزش حقوق شهروندی به معنای واقعی آن باید در خانه و مدرسه نهادینه شود. شکستن تابوهای ایجاد شده نادرست است که جوانان حق ندارند در فرآیند حرکت به سمت دموکراسی و مردم‌سالاری نقش داشته باشند یک نیاز ضروری است. سرکوب و خشونت در خانه، مدرسه و جامعه سبب یأس و سرخوردگی جوانان می‌شود.

در این مسیر بر خودردهای افراطی جریانات اقتدارگرا با جوانان منتقد و صدور احکام ناعادلانه زندان، تبعید یا انفصال به دلیل ملاحظاتی سیاسی و ایدئولوژیک باید به کمترین مقدار برسد. دانشگاه‌ها نیز باید در تحولات سیاسی کشور تأثیر گذار باشند و بر خورد افراطی و خشونت‌بار با آنها زمینه‌ساز خروج نخبگان از کشور می‌شود. ایجاد جامعه مدنی با الهام گرفتن از کشورهای لبنان، مراکش، سومالی، زاین، ویتنام و هندوستان حاصل سلطه‌گری و افراطی‌گری است. آموزش کارآمد مقابله علمی و عملی با افراطی‌گری در دل نهادهای مدنی قرار دارد.



شهریانامانی  
فعال سیاسی

مردمان هر جامعه، با اتفاقاتی که در روز برایشان به وجود می‌آید زندگی و روزشان را سپری می‌کنند. اما همیشه عده خاصی وجود دارند که روند عادی جامعه را بر هم می‌زنند و در بعضی مواقع این موضوع را به‌صورت گفتاری یا عملی به جامعه تحمیل می‌کنند. اغلب افسردگی را در جامعه می‌بینیم که بر سر موضوعاتی با فشاری دارند و در اهدافی که دارند قاطعیت خاصی را صورت می‌دهند و غالباً هیچ فرد یا افرادی نمی‌توانند آنها را از موضوعی که دارند به عقب برگردانند، یا انسان را اصلاح کنند. این افراد در جامعه اغلب افراد افراطی نام می‌گیرند و در اکثر مواقعی که به فعالیت می‌پردازند خواهان تأثیر بر گروه‌های دیگر مختلف جامعه را دارند. این افراد اغلب حق و حقوق جامعه را زیر پای خود له می‌کنند و بر این عقیده‌اند که اهداف و افکار و عقیده آنان اهمیت به تمامی افراد جامعه با ارزش تر است. اما افراطیون اغلب به دنبال یک سری مقاصد خاص در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند و بارزترین خصوصیت آنها نیز منفعت‌طلبی است. افراد افراطی از هیچ اصولی پیروی نمی‌کنند و اغلب سیاه و سفید هستند و در نتیجه تعادل در رفتار و افکار آنها بی‌معنی است و به این ترتیب جنب‌داری سرلوحه کار آنها است و همواره از فرد یا افراد حمایت می‌کنند که به منافع آنها مرتبط

### ادامه از صفحه ۹

با عقل جمعی است که می‌گوییم عربستان و قطر که پشتیبان قتل و از بین رفتن انسان‌های دیگر می‌شوند، رفتار افراط‌گرایانه دارند. هر رفتاری که انسان‌های دیگر را از بین ببرد و دیگران را تهدید کند، معقول است. همه مقررات، تابع عقل انسانی است و چون عقلانی است، انسان آن را می‌پذیرد. عقلانی بودن، مهم‌ترین ملاک است. همه رفتارهایی که به تهدید و از بین بردن و صدمه به حقوق دیگران و مناسبات جمعی می‌انجامد در ردیف رفتار افراطی قرار می‌گیرد. هر رفتاری که به

### افراط و مخالفت با عقل

اخلاق را یاد بدهیم همان طور که اگر می‌خواهیم جامعه بانشاطی داشته باشیم، باید فضای جامعه مبتنی بر رفتارهای زنده باشد. نباید تصور کنیم که تعلیم و تربیت فقط قرار است به یادگیری و حفظ کردن بینجامد بلکه باید باعث بالندگی و رشد در مسیر عقل و اخلاق باشد. در تربیت نکته فوق‌العاده پر اهمیت را می‌تواند این است که اگر می‌خواهیم جامعه‌اخرق مندی داشته باشیم، باید ارزش